

نگاهی به حکم اظهار زینت زن از منظر آیه حجاب (آیه ۳۰ سوره نور)

ساجده العبدالغانی^۱

چکیده

تمایل انسان به زینت کردن و آشکار کردن آن امری است فطری و در فرهنگ اسلامی نیز بر آن سفارش شده است، اما از آن جا که این امر در شمار افعال مکلفان قرار دارد در مورد هریک از زن و مرد حکم آن متفاوت است، آنچه در این تحقیق مورد کنکاش قرار گرفته است اظهار زینت زن و محدوده آن با توجه به آیه ۳۰ سوره نور است. بنابراین، این سؤال که دیدگاه آیه ۳۰ از سوره نور در مورد اظهار زینت زن چیست، مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با بررسی های به عمل آمده این نتیجه حاصل شد که ممنوعیت اظهار زینت برای زنان (در مقابل نامحرمان) در تعاملات اجتماعی موجب امنیت روانی خانواده و اجتماع و همچنین مصونیت زن از آزار و اذیت بیمار دلان می شود.

واژگان کلیدی: اظهار، زینت، آرایش، ابداء.

۱. مقدمه

سرشت انسان زیبایی چهره و آرایش و پوشش نیکو را دوست دارد. پوشش و آرایشی که موجب زینت و زیبایی انسان است مورد تأکید و تأیید شریعت نیز می باشد و تعدد آیات و روایات مربوط به زینت نشان دهنده اهتمام شارع به مقوله زینت است. زینت به طور کلی یا مربوط به زینت اماکن است یا زینت اشخاص که شامل زینت مردان و زنان است. در مورد اصل زینت و آرایش تفاوتی نیست در اینکه از انواع وسایلی باشد که بتوان آنها را از بدن جدا کرد مانند: انگشتر و النگو و یا زینتی باشد که روی اعضای بدن صورت می گیرد و از بدن جدا نماندنی هستند مانند اصلاح یا تاتو ابرو. آشکار کردن زینت برای زنان در مقابل محارم و غیرمحارم احکام تکلیفی مختلفی را به دنبال دارد که فقیهان و مفسران از دیرباز پیرامون آنها بحث های مبسوطی داشته اند. در نوشتار حاضر، مسأله زینت فقط از دیدگاه آیه ۳۰ سوره نور بررسی شده است.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعة المصطفی العالمیه، از کشور عراق.

۲. حکم اظهار زینت برای زن و ملاک آن

آرایش و زینت به خودی خود برای زن امری مباح، مطلوب و از ضروریات زندگی زناشویی است؛ هر چند اظهار و آشکار کردن آن در مقابل مردان، بر حسب طبیعت رابطه میان ناظر و منظور و حالات آنها، احکام مختلفی در شرع دارد که گاه جایز است و گاه ممنوع. اگر بیننده، مردی نامحرم باشد، حکم کلی قرآن در این فرض حرمت آشکار کردن زینت بر زن است، اما اگر از محارم باشد، آشکار ساختن زینت بر زن جایز است (ر.ک.، نور: ۳۰). ملاک این دیدگاه قرآن به دو امر برمی‌گردد: نخست نیازهای اجتماعی زن به‌گونه‌ای است که در برخی موارد اختلاط با مردان را در صحنه زندگی اجتماعی می‌طلبد. در این موارد پنهان کردن زینت برای زن بسیار دشوار خواهد بود؛ چنانکه گاهی آشکار کردن قسمتی از اعضای بدن مانند صورت و دست‌ها تا می‌چ برای رفع نیازها و انجام وظایف فردی و اجتماعی برای وی ضروری است.

دوم، برانگیخته نشدن شهوت جنسی؛ چنانکه ملاک حکم در اظهار زینت زن در مقابل محارم (به جز شوهر) بر این اساس است. از این دو مطلب روشن می‌شود که ملاک، تعبد محض نیست بلکه نکته‌ای قابل فهم برای عرف است.

۳. استدلال به آیه ۳۰ از سوره نور

مهم‌ترین نص قرآنی که به تشریح حکم این موضوع پرداخته، سوره نور است:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ خُجْرَتَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِمْ أَوْ أَبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِمْ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِمْ أَوْ إِخْوَانِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور: ۳۱)

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا کنیزانشان یا مردان سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت

پنهانی‌شان معلوم شود (و صدای خلخال که بر پای دارند، به گوش رسد) و ای مؤمنان، همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید.

در این آیه شریفه خداوند به زنان مؤمن فرمان داده که چشم از نامحرم فروبندند و دامان خود را پاک نگه دارند، زینت خود را آشکار نکنند، مقنعه و روسری را روی گردن و سینه خود بیندازند، پای بر زمین نکوبند و جلب توجه نکنند. سپس تمام مؤمنان را به توبه و بازگشت به سوی خدا دستور می‌دهد. در این آیه، دوبار آشکار کردن زینت نهی شده است و در هر بار، مواردی از حکم نهی، استثنا شده است. (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۴۶)

۳-۱. برخی از مفردات و ترکیبات آیه شریفه

۳-۱-۱. مفاهیم

الف) وَلَا يُبْدِينَ

بداء به معنای ظهور و آشکار شدن است، چنانکه در آیه شریفه آمده: «فبَدَتْ لَهَا سَوَاتِمَهَا؛ وقتی از آن درخت خوردند، بدی‌هایشان (عورتشان) برای آنها آشکار گشت». (طه: ۱۲)

ابداء از باب افعال به معنای آشکار کردن است. «أَبْدَى الْأَمْرَ» یعنی آن چیز را آشکار کرد. (طریحی نجفی، ۱۴۱۶ هـ ق، ۱/۱۶۷) بداء به معنای «رها کردن» نیز استعمال شده است.

ب) زَيْنَتَهُنَّ

زینت، اسم است از ریشه «زَان الشَّيْءُ صَاحِبُهُ زَيْنًا» و به معنای چیزی است که انسان خود را با آن می‌آراید. (طریحی نجفی، ۱۴۱۶ هـ ق، ۲/۳۱۲).

از ظاهر معنای زینت بر می‌آید که این کلمه معنای ایجابی دارد نه سلبی؛ یعنی آنچه به چیزی نکویی و زیبایی می‌بخشد یا چیزی را نیکو و زیباتر جلوه می‌دهد. کلمه «زینت» در قرآن در موارد متعددی به کار رفته است:

- به معنای زینت مادی: «حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ؛ تا زمانی که زمین زیبایی خود را بیابد و آراسته گردد» (یونس: ۲۴).

- به معنای زینت معنوی: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ خداوند ایمان را محبوب دل شما قرار داد و آن را در دل‌هایتان زینت بخشید» (حجرات: ۷).

- به معنای زینت تکوینی: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرِيَّةٍ الْكَوَاكِبِ؛ همانا آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم» (صافات: ۶).

- در معنای زینت اکتسابی: «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با

خود بردارید» (اعراف: ۳۱).

- به معنی زینت حقیقی: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّازِحِينَ؛ ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم، و آن را برای بینندگان آراستیم» (حجر: ۱۶).

- گاه در معنی زینت وهمی: «زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا؛ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است» (بقره: ۲۱۲).

- گاهی «زینت» بر اسم ذات اطلاق شده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیا است» (کهف: ۴۶).

- گاهی بر افعال اطلاق شده است: «وَكَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ؛ این‌گونه شرکای آنها قتل فرزندانشان را در نظرشان نیکو جلوه دادند» (انعام: ۱۳۷).

در این شریفه مورد بحث، کلمه «زینت» به ضمیر «هن» اضافه شده و اضافه هم به معنای اختصاص است. بنابراین، معنای «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» چنین می‌شود: زینتی را که مخصوص زن است- همانند زیورآلات، مالیدن روغن و کرم و لوازم آرایشی و امثال آن- آشکار نکنند. ممکن است مراد از زینت در آیه، زینت تکوینی باشد؛ یعنی زیبایی و جمالی که در خلقت و طبیعت زن وجود دارد. گاهی زینت زن آشکار است؛ مانند لباس‌های مزین و زیبا، و گاهی پوشیده و پنهان است؛ مانند برخی از قسمت‌های بدن او.

ج) بعولتهن

«بعولة» جمع «بعل» به ترتیب بروزن فحوله و فحل، به معنای زوج و شوهر است. (راغب، ۱۴۲۶ ه. ق، ص ۱۳۵) برخی گفته‌اند که «بعل» بر سرور (قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۲۳۱/۱۲)، بلکه بر هرکسی که در مقام برتر و عالی باشد نیز اطلاق می‌شود (خطیب، ۱۴۳۰ ه. ق، ۲۵۸/۶).

د) أو ما ملکت أیمانهن

«ملک یمین»، یعنی کنیز، اما برخی گفته‌اند که مراد از این کلمه مطلق بردگان است، چه مرد باشد، چه زن.

ه) غیر

إعراب «غیر» در این جا دو وجه دارد: جزو نصب. جزا آن رو که کلمه «غیر» وصف برای کلمه «التابعین» باشد و نصب از آن رو که حال یا استثنا باشد. (خطیب، ۱۴۳۰ ه. ق، ۲۵۸/۶)

و) الإریة

این واژه به معنی نیاز و ولع داشتن به چیزی است. عبارت «غَيْرُ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» یعنی، مردانی

که نیاز و تمایلی به زن ندارند. «إرِبَة» به معنای عقل نیز آمده است و کلمه آرِب نیز از همین معنا مشتق شده است. (رازی، ۵۱۴۱۱، ق. ۲۳ / ۲۰۹)

«أرب، إرب و إرِبَة» همه به یک معناست و جمع آن مَأرب است. راغب در مفردات در معنای آن گفته است:

«إرب» یعنی، نیاز شدید و خواستی که دفع آن انسان را به چاره‌اندیشی وادارد. پس هر «إربی» احتیاج و تمایل است، اما هر خواست و احتیاجی «إرب» نیست. از این رو، گاهی کلمه «إرب» فقط به معنای حاجت و نیاز استعمال می‌شود و گاهی به معنای چاره‌اندیشی؛ هر چند حاجتی نباشد و قول خداوند در قرآن «أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» کنایه از احتیاج و نیاز به ازدواج است. (المفردات، ص ۷۲)

جمله «غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» یعنی، غیر افرادی که میل و شهوت یا احتیاج به زن دارند. برخی، «غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ» را افراد کم عقل، ابله و احمقی که از امور جنسی هیچ درکی ندارند، مثال زده‌اند. (صابونی، بی تا، ۱۴۶ / ۲)

ز الطفل

کلمه طفل اسم جنس است که هم به معنای جمع می‌آید و هم به معنای مفرد همانند کلمه «ضیف»؛ طفل در آیه شریفه به معنای جمع است؛ به دلیل این که در جمله «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا» فعل را به صورت جمع آورده و کلمه «الذین» نیز که وصف آن است، جمع است.

«الف و لام» در «الطفل» هم برای استغراق است. (ر.ک.، صابونی، بی تا، ۱۴۶ / ۲؛ راغب اصفهانی، ۵۱۴۲۶، ق. ۵۲۱؛ قرطبی، ۵۱۴۰۵، ق. ۱۲ / ۲۳۶) بنابراین، کلمه «الطفل» عطف بر «بعولتهن» است. برخی احتمال داده‌اند که «الذین» وصف برای «التابعین» است که در این صورت «الطفل» عطف بر «الرجال» است. (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۶۹۰)

ح) لم يظهروا

این کلمه یعنی، اطلاع نیافتند. یا این که «لَمْ يَظْهَرُوا» از ماده ظهور به معنای غلبه باشد؛ یعنی «توانایی جنسی ندارند». این معنا- چنانکه برخی به آن اشاره کرده‌اند- کنایه از بلوغ است. (طباطبایی، ۵۱۴۱۷، ق. ۱۵ / ۱۱۲)

ط) عورات النساء

عورت یعنی، جایی از بدن انسان که تصریح به آن زشت است و کلمه عورت کنایه از آن موضع است. اصل آن از «عار» است و بدین جهت به آن موضع عورت گفته شده که وقتی ظاهر می‌شود، زشتی و مذمّت را برای انسان در پی دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶، ص ۵۹۵) البته در توضیح آن خواهد آمد

که آیا مراد از عورت خصوص آلات جنسی است یا اعم از آن؛ یعنی مجموع ناف تا زانو را شامل می‌شود.

۳-۲. محورهای مورد بحث درباره «زینت» در آیه ۳۰ از سوره نساء

۳-۲-۱. محور اول

درباره این قسمت از آیه که می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، دو بحث وجود دارد: نهی از ابدای زینت به چه معناست؟ مراد از جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» چیست؟

۳-۲-۱-۱. معنای نهی از ابدای زینت

الف) نظریه اول: منظور، نهی از آشکار ساختن زینت است؛ زیرا ابداء در لغت به معنای آشکار کردن و نمایاندن برای غیر است. صاحبان این نظریه در تفسیر «زینت» به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول زینت را به عضوی که محل زینت زن است، تفسیر کرده‌اند، نه خود زینت، خواه زن آن قسمت بدن را به زیورآلات و لوازم آرایش، آراسته باشد یا نیاراسته باشد، این اطلاق مجاز بوده و از باب اطلاق حال و اراده محل است؛ بدین جهت که آرایش و زیورآلات، آن مواضع را می‌پوشانند. دلیل این تفسیر، استثنایی است که بعد از نهی (ولاییدین زینتهن) تکرار شد. در استثنای اول (لاییدین زینتهن) آیه ما ظاهر منها آنچه از زینت که آشکار است، از مورد نهی استثنا شد، پس نهی و حرمت، اختصاص به زینت‌های غیر آشکار دارد. در استثنای دوم (ولاییدین زینتهن) آیه لبعولتهن أو آبائهن... گروه‌های دوازده‌گانه خویشاوندان استثنا شده‌اند و حرمت اختصاص به غیر آنان دارد. این معنا در صورتی صحیح است که مراد از زینت، موضع و محل آن باشد؛ چون اظهار زینت به خودی خود جایز است و در آشکار ساختن آن فرقی میان گروه‌های استثنا شده و غیر آن نیست و احتمال حرمت به طور قطع منتفی است. بنابراین، متعین است که مراد از زینت، محل آن است. برخی روایات نیز مؤید این نظریه است. از جمله:

عایشه از نبی اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: «لایحِلُّ لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر إذا عرکت أن تظهر إلا وجهها ویدیها إلى هاهنا وقبض نصف الذراع؛ برای زن مؤمن بالغ جایز نیست که اعضای بدنش را نمایان سازد، مگر صورت و دست را تا مِج». (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۲/۲۲۹)

ابوداود نیز نزدیک به همین مضمون را روایت کرده است:

عن أم المؤمنین عایشة: أن أسماء بنت أبی بکر دخلت علی رسول الله ﷺ وعلیها ثياب رقاق، فأعرض عنها رسول الله ﷺ وقال: «یا أسماء إن المرأة إذا بلغت المحيض لم تصلح أن یری منها إلا هذا وهذا» وأشار إلى وجهه وكفیه.

عایشه می‌گوید: اسماء دختر ابوبکر، روزی بر رسول خدا- درود خدا بر او و خاندانش

باد- وارد شد؛ در حالی که لباس نازکی بر تن داشت. رسول خدا از او رو برگرداند و فرمود:
«ای اسماء، زن وقتی به سن بلوغ رسید، سزاوار نیست که به جز از صورت و دو تا دستش تا
میچ دیده شود». (أبو داود، ۱۴۱۰، ۲/۲۷۰)

روایت دیگر صحیحه فضیل است که می‌گوید:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الذراعين من المرأة هما من الزينة التي قال الله: «وَلَا يُبْدِيَنَّ
زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» قال: «نعم و مادون الخمار من الزينة و مادون السوارين».

فضیل می‌گوید: از امام صادق عليه السلام درباره دست زن تا ذراع پرسیدم که آیا جزء زینتی که
خداوند در قرآن فرموده: «وَلَا يُبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»، محسوب می‌شود؟ حضرت
فرمود: بله، از روسری پایین‌تر و نیز از موضع النگو (به سمت ذراع) جزء زینت است. (حر
عاملی، ۱۴۰۹)

بنابراین، می‌توان طبق این تفسیر گفت که اطلاق زینت بر بدن زن حقیقت است، نه مجاز
و این اطلاق به لحاظ زیبایی طبیعی زن است؛ چون زن در خلقت و تکوین خود صاحب زینت
و جمال است و این یکی از ویژگی‌های اوست. این زینت طبیعی شامل اغلب اعضای بدن زن
می‌شود، مگر عورت که جزء زینت محسوب نمی‌شود، بلکه قبیح شمرده شده است. به همین
دلیل، در قرآن نیز بر آن «سوءاً» (زشتی) اطلاق شده است. برخی این نظریه را توسعه داده و
گفته‌اند: مراد از زینت در آیه تمام اعضای بدن زن است، نه مقداری که محل آرایش و زینت است. این در
حالی است که برخی دیگر احتمال داده‌اند که مراد از زینت فقط موضع آن به ویژه مواضع پنهان
است؛ از این رو، به غیر آن سرایت داده نمی‌شود.

گروه دوم کسانی هستند که زینت را به آنچه زن با آن، خود را می‌آراید، معنا کرده‌اند. طبق این
معنا، زینت از حیث عرف و لغت یک مفهوم عام است و قسمتی از آیه که می‌فرماید: «وَلَا يَصْرِبُنَّ
بِأَزْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ زنان هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان
معلوم شود»، مؤید این معناست؛ چون کوبیدن پا بر زمین موجب معلوم شدن محل زینت (بدن
زن) نمی‌شود، بلکه موجب علم به خود زینت‌هایی چون خلخال و مانند آن می‌شود که این
قبیل زینت‌ها با حرکت پا صدایی ایجاد و توجه مردان نامحرم را به خود جلب می‌کنند. (موسوی
خویی، ۱۴۱۳ ه. ق، ۱/۵۴-۵۵)

برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده و زینت را به خود زینت از قبیل لباس، سرمه، انگشتر
و خضاب کردن کف دست و انگشتان و مانند آن معنا کرده‌اند نیز مؤید این تفسیرند. (قرطبی،

۱۴۰۵، ۱۲/۲۲۹)

البته این معنا (حرمت آشکار کردن خود زینت)، به حسب مدلول مطابقی است، ولی مانعی ندارد کسی ادعا کند که بین حرمت آشکار ساختن زینت و حرمت آشکار ساختن محل آن، دلالت التزامی و عرفی هم وجود دارد، و در آیه از باب مبالغه به حرمت اظهار خود زینت تصریح شده است؛ چون این زینت در مواضعی قرار می‌گیرند که نگاه به آن مواضع برای افرادی که در آیه ذکر نشده‌اند، حرام است. (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۶۸۸)

ب) نظریه دوم: برخی از معاصران میان معنای ابدأ در جمله اَوَّل (لایبِدین زینتَهِنَّ اِلَّا ما ظَهَرَمِنها) و معنای آن در جمله دوم (ولایبِدین زینتَهِنَّ اِلَّا لِبِعولَتِهِنَّ...) تفاوت قائل شده‌اند. بدین معنا که ابدأ در جمله اَوَّل به معنای رها کردن و باز گذاشتن چیزی است و منظور از نهی از آن، وجوب پوشش است؛ یعنی کشف زینت و باز گذاردن آن، حرام و پوشاندن آن واجب است. اما ابدأ در جمله دوم، یعنی نمایاندن و به نامحرمان نشان دادن است؛ چون در جمله دوم فعل ابدأ با «لام» در «لِبُعولَتِهِنَّ» متعدی به مفعول دوم شده است (موسوی خویی، ۱۳۱۳/۵۵-۵۶). طبق این نظریه، دو حکم در آیه شریفه وجود دارد و برای هر حکمی نیز استثنایی، نه این که یک حکم باشد و دو استثنا.

حکم اول: حرمت کشف زینت و وجوب پوشش آن بر زن به استثنای مواضعی که همیشه ظاهر و آشکار است؛ مانند دستان تا مچ و گردی صورت.

حکم دوم: حرمت آشکار کردن زینت و آرایش در مقابل مردان به استثنای گروه‌های دوازده‌گانه‌ای که در آیه ذکر شده‌اند. تکرار نهی - لایبِدین زینتَهِنَّ - در آیه و امر به انداختن مقنعه و روسری بر گریبان بعد از نهی اول و ذکر آن پیش از افرادی که بعد از نهی دوم استثنا شده‌اند، مؤید این معناست. ممکن است گفته شود که تکرار نهی در آیه به جهت مقدمه‌سازي برای استثنای دوم است، نه اینکه مفید حکم جدید باشد. در پاسخ باید گفت: که این به‌گونه‌ای تطویل در عبارت و خلاف بلاغت است، انگیزه‌ای برای گنجاندن امر به انداختن مقنعه تا روی سینه در وسط کلام (بین دو استثنا) وجود ندارد؛ چون می‌توانست قبل از نهی اَوَّل با عطف بر جمله «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» آن را ذکر کند یا در انتهای آیه ذکر شود.

۳-۲-۱. مراد از جمله «اِلَّا ما ظَهَرَمِنها»

بحث دوم آن است که مراد از جمله «اِلَّا ما ظَهَرَمِنها» که به عنوان استثناء در جمله اَوَّل ذکر شده، چیست؟ در این جا نیز چند نظر وجود دارد:

الف) نظر اول: مراد از آن، زینت آشکار یعنی، لباس است و چنانکه از ابن مسعود نقل شده است، آشکار کردن

آن جایز است و هیچ دلیلی بر مخفی داشتن آن نیست؛ مانند ردایی که خانم‌ها بر دوش می‌افکنند، (صابونی، بی‌تا، ۱۷۳/۲) برخلاف زینت باطنی که معمولاً به بدن چسبیده است و آشکار ساختن آن مستلزم آشکار شدن بدن خواهد شد و نگاه به آن نیز مستلزم نگاه به بدن می‌شود. (حلی سیوری، ۱۴۲۵، ۲۲۲/۲)

ب) نظر دوم: مراد از آن لباس و صورت است. این معنا از ابن جبیر حکایت شده است. سعید بن جبیر، عطا، ضحاک و اوزاعی از ابن عباس حکایت کرده‌اند که زینت نمایان، صورت و دو دست تا مچ و انگشتر است. (طبرسی، ۱۴۱۸ ه. ق، ۴/۱۳۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۲/۲۲۸)

ج) نظر سوم: مراد از آن لباس، صورت و دستان تا مچ است. این معنا نیز به نقل از ابن جبیر است. شاید نظریه دوم و سوم یکی باشد؛ زیرا هیچ دلیلی بر تفریق بین صورت و کف دست وجود ندارد.

د) نظر چهارم: مراد از آن آرایش‌های ظاهر مانند سرمه کشیدن، النگو، انگشتر، خضاب کردن دست و مانند آن است.

و) نظر پنجم: مراد، صورت و دستان تا مچ است. (قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۲/۲۲۸-۲۲۹) بسیاری از فقها همین معنای پنجم را اختیار کرده‌اند؛ چون صورت و دست‌ها تا مچ معمولاً همیشه پیداست و پوشاندن آن بر زن موجب عسر و حرج خواهد بود، ولی به نظر می‌رسد این عسر و حرج از نظر عرف، منحصر در صورت و دست‌ها نیست، بلکه روی پا و حتی کمی بالاتر از آن را نیز شامل می‌شود. اگر در این تفاسیر، نیاز عرفی ملاک باشد، جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» اقتضای چنین توسعه‌ای را خواهد داشت و نمی‌توان آن را به صورت و لباس ظاهر منحصر کرد. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا)

۲-۲-۳. محور دوم

«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»

۲-۲-۳-۱. نکته اول

این فقره، متضمن حکمی درباره زینت و آرایش زنان است و زنان را از کوبیدن پا بر زمین نهی فرموده است. کوبیدن پا بر زمین در عصر جاهلیت بین زنان مرسوم و متعارف بوده است؛ به طوری که اگر یکی از زنان در بین راه به جمعی از مردان برمی‌خورد، در صورتی که خلخال بر پای داشت، پاها را بر زمین می‌کوبید تا صدای خلخال به گوش مردان برسد. از این رو، خداوند زنان مؤمن را از این کار برحذر داشت.

یا ممکن است مراد از «ضرب الارجل»، زدن پاها به یکدیگر باشد تا دیگران بدانند که او خلخال

برپای دارد. (زمخشری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳/ ۲۳۳) دلیلی بر حصر آیه در برخی از مصادیق - با توجه به این که قیدی در آیه به کار نرفته است - وجود ندارد. به هر حال، آیه زنان را از کوبیدن پا بر زمین نهی کرده و نهی نیز ظهور در حرمت دارد. بنابراین، نفس این که زن به دیگران بفهماند که دارای زینت است - هر چند خود زینت مخفی باشد - حرام است. این حکم برای بطلان این توهم است که حکم حرمت در آیه شریفه، فقط متعلق به اظهار زینت است و بس، بلکه غرض حکم، جلوگیری از تحریک جنسی به طور نامشروع است. تحریک جنسی از طریق رساندن صدای زینت به گوش نامحرم، کم‌تر از نشان دادن زینت نیست.

۳-۲-۲. نکته دوم

آیا مراد آیه، مقید کردن حرمت به صورتی است که مقصود زن از به صدا درآوردن زینت خود، شنواندن صدای آن به گوش مردان نامحرم باشد، چنانکه از ظاهر آیه استفاده می‌شود (قرطبی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۱۲/ ۲۳۳-۲۳۲) که در این حال، حرمت دایرمدار قصد است؟ یا اینکه منظور آیه نهی از این کار است، اگر منجر به حرام شود؟ بدین معنا که اگر پای بر زمین کوبیدن زنان به قصد جلب توجه مردان، منجر به فعل حرامی گردد، حرام است وگرنه، حرام نیست؟ (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۹۱) یا اینکه مقصود آیه، نهی از به صدا درآوردن خلخال و مانند آن در مقابل مردان نامحرم به طور مطلق است، خواه زن قصد جلب توجه مردان نامحرم را داشته باشد یا نداشته باشد. به اعتبار اینکه نتیجه کوبیدن پا بر زمین و به صدا درآوردن خلخال، پی بردن مردم به زینت‌های پنهان زنان و فریفته شدن به آنان است؟ براساس این احتمال، لام در جمله «لِيُعْلَمَ» لام عاقبت است؟

۳-۲-۳. نکته سوم

ممکن است از این قسمت از آیه استفاده کرد که هرگونه حرکت یا فعل صادر از سوی زن که سبب تحریک شهوت مردان شود، حرام است؛ مانند آرایش صورت، استعمال عطر و بوی خوش یا پوشیدن لباس تنگ، هر چند تمام بدن پوشیده باشد. پس هرگاه ملاک حرمت، تحریک شهوت نامحرم باشد، این افعال نیز حرام است (ایروانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/ ۳۸۳)

۴. نتیجه‌گیری

سؤال اصلی پژوهش این بود که دیدگاه آیه ۳۰ سوره نور در مورد اظهار زینت زن چیست؟ که پس از بحث و بررسی این نتیجه حاصل شد که پوشاندن زینت برای بانوان واجب است، مگر جاهایی

که همیشه ظاهر و آشکار است؛ مانند داستان تا میج و گردی صورت و همچنین آشکار کردن زینت در مقابل مردان به جز گروه‌های دوازده‌گانه که در آیه بیان شد، حرام است.

فهرست منابع

۱. * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۲. ابوداود، سلیمان ابن اشعث (۱۴۱۰هـ.ق). سنن أبي داود. بیروت: دارالفکر. بیروت.
۳. ایروانی، باقر (۱۴۲۸هـ.ق). دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الأحکام. قم: دارالفقه.
۴. جمعی از مؤلفان (بی تا). مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام) (فارسی). جلد ۵۶.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
۶. حلّی سیوری، مقدادبن عبدالله (۱۴۲۵هـ.ق). کنز‌العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۷. خطیب، عبداللطیف محمد (۱۴۳۰هـ.ق). معجم القراءات. دمشق: دارسعدالدین.
۸. خوبی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۳هـ.ق). المستند فی شرح العروة الوثقی. بی تا: بی نا.
۹. رازی، فخرالدین (۱۴۱۱هـ.ق). التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶هـ.ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. زمخشری، ابوالقاسم محمودبن عمر (۱۴۱۷هـ.ق). الکشاف. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. صابونی، محمدعلی (بی تا). روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن. بیروت: المکتبه العصریه.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۸هـ.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین قم.
۱۵. طریحی نجفی، فخرالدین (۱۴۱۶هـ.ق). مجمع البحرین و مطلع النیرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۶. قرطبی، ابن رشد (۱۴۰۵هـ.ق). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن. تهران: المکتبه الجعفریه.
۱۸. موسوی خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳هـ.ق). مستند العروة. بی تا: بی نا.